

حروف مشبّهة بالفعل ، لای نفی جنس درس یک عربی دوازدهم منتشرک و انسانی

تعریف: حروفی هستند که بر سر مبتدا و خبر می آیند، مبتدا را منصوب و اسم خود می گردانند و خبر مرفوع باقی مانده، و خبر حروف مشبّهة بالفعل می شود. حروف مشبّهة بالفعل: إِنَّ (همانا، بدرستی که) اَنَّ (که، اینکه) - كَأَنَّ (مثل اینکه گویا که) - لَيْتَ (ای کاش) - لَكِنَّ (ولی) - لَعَلَّ (امید است، شاید)

اسم حروف مشبّهة بالفعل { اسم ظاهر: لَعَلَّ الطالبَاتِ ناجحاتٌ
ضمیر متصل: لَيْتَکِ صادقَةٌ }
تذکره: اسم حروف مشبّهة بالفعل هیچگاه ضمیر متحرک نیست
بنابراین همیشه باید در جمله ریده شود

خبر حروف مشبّهة بالفعل { اسم: لَكِنَّ الوالدین شفیقانِ
فعل: إِنَّ اللّهُ یَغْفِرُ الذّنوبِ
جار و مجرور: كَأَنَّ العزّة للمؤمنین }

نکات

۱) مطالبی که درباره‌ی مبتدا و خبر گفته شد در مورد اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل نیز صدق می کند. به مثال‌های زیر دقت کنید.

- لَكِنَّ علیکم صبراً: لَكِنَّ: حروف مشبّهة بالفعل علیکم: خبر مقدم، (جار و مجرور)
صبراً: اسم لَكِنَّ مؤخّر (نکره).

- إِنَّ الإسلامَ دینُ العبادَة و العمل: إِنَّ: حرف مشبّهة بالفعل الإسلام: اسم إِنَّ و منصوب دینُ: خبر إِنَّ و مرفوع
العبادَة: مضاف الیه و مجرور واو: حرف عطف العمل: معطوف

- كَأَنَّ أولئک الرجالَ فی الآخرة یفوزون: كَأَنَّ: حرف مشبّهة بالفعل أولئک: اسم إِنَّ و منصوب
الرجال: تابع منصوب به تبعیت فی الآخرة: جار و مجرور یفوزون: خبر، جمله‌ی فعلیه

۲) هرگاه ما ی کافّه (بازدارنده) به حروف مشبّهة بالفعل متصل شود این حروف را از عمل باز می دارد؛ در این حالت جمله متشکل از مبتدا و خبر (هر دو مرفوع) خواهد بود. (برای مطالعه)

انّما اللّهُ واحدٌ اللّهُ: مبتدا واحدٌ: خبر

۳) پس از حروف مشبّهة بالفعل، «فعل» و «ضمیر منفصل» نمی آید.

۴) اگر جمله با ضمیر منفصل (مبتدا) آغاز شده باشد و بخواهیم قبل از آن حروف مشبّهة بالفعل بیاوریم باید ضمیر منفصل به ضمیر متصل تبدیل شود؛ مانند: انتم صادقون ← انکم صادقون

۵) گاهی اوقات «لِیت» به صورت «یا لِیت» می آید: یا لِیتنی کنْتُ تراباً

ایستگاه ترجمه

معانی حروف مشبّهة بالفعل:

در ترجمه‌ی «حروف مشبّهة بالفعل» به نکات زیر دقت کنید:

الف- **إِنَّ** (همانا - به درستی که)، در ابتدای جمله می‌آید، اما ترجمه کردن آن اختیاری است یعنی در تست‌های ترجمه‌ی کنکور چه ترجمه شود و چه نشود گزینه درست است:

إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ ← همانا خداوند توانا است / خداوند توانا است.

إِنَّ التَّنْدِيْنَ فَطَرْتِي فِي الْإِنْسَانِ.

ب- **أَنَّ** (که - این که) در وسط جمله می‌آید و دو جمله را به هم ربط می‌دهد:

«قد رُؤِيَ أَنَّ الرَّسُولَ الْأَكْرَمَ ذَهَبَ يَوْمًا إِلَى الْمَسْجِدِ»: روایت شده است که رسول اکرم روزی به مسجد رفت.

ج- **لِإِنَّ** (لا جازه + **أَنَّ**) به معنی «زیرا - برای این که» است:

اللَّهُ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ لِأَنِّي أَحِبُّهُ كَثِيرًا: خداوند مرا وارد بهشت می‌کند زیرا او را بسیار دوست دارم.

د- **إِنَّمَا** به صورت «فقط، تنها و مسلماً» ترجمه می‌شود و به آن ادات حصر و تأکید می‌گویند و ترجمه‌ی آن الزامی است: **إِنَّمَا اللَّهُ وَاحِدٌ**: فقط خداوند یکی است. **إِنَّمَا الصَّدَاقَةُ وَاجِبَةٌ**: مسلماً راستی واجب است.

ه- در صورتی که خبر «لیت» و «لعل»، فعل مضارع باشد به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

لِيتَ الْإِنْسَانُ يُدْرِكُ سِرَّ هَذَا الْجَمَالِ: ای کاش انسان راز این زیبایی را درک کند.

لَعَلَّ الطَّلَاطِبَ يَنْجَحُونَ فِي الْإِمْتِحَانِ: شاید دانش‌آموزان در امتحان موفق شوند.

تَذَكُّرًا: «یادت» (ای کاش - کاش) «زمانی استفاده می‌شود که امکان وقوع فعل «کم» و «لعل» (امید است - شاید) «مربوط به هشتم است که امکان وقوع فعل «زیاد» است.

تَذَكُّرًا: اکثر پس از «یادت» فعل ماضی بیاید به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود:

لِيتَ أَصْدِقَائِي إِجْتَهَدُوا فِي دَرُوسِهِمْ: ای کاش دوستانم در درس‌هایشان تلاش می‌کردند.

و- «لکن» به معنای «ولی - اما» است و برای کامل کردن پیام و ابهام جمله‌ی قبل است:

فهذا يومٌ البعثِ و لکنتم کنتم لاتعلمون: این رستاخیز است اما نمی‌دانستید.

ز- «کأن» به معنی (گوی، مثل اینکه، مانند) است و گاهی اوقات برای بیان شباهت استفاده می‌شود:

كأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ. كأنَّ أَرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لِأَنَّكَ.

تعریف: حرفی است که بر سر مبتدا و خبر می آید و وجود را به صورت مطلق نفی می کند و معنای «هیچ، هیچ نیست» می دهد. عملکرد لای نفی جنس همانند حروف مشبیه بالفعل است، یعنی اسم آن منصوب و خبر آن مرفوع است

لای نفی جنس

شرایط اسم لا نفی جنس

- فقط فتحه می گیرد
- تنوین نمی گیرد
- نکره است (هیچ کدام از معارف شش گانه اسم لای نفی جنس واقع نمی شود)

مانند: لا کاذب فائزٌ و لاخیر فی الظلم

خبر لای نفی جنس

- اسم: لاتلمیذٌ غائبٌ
- فعل: لامقاتلٌ یرجع من المعركة
- جار و مجرور: لا معلمٌ فی المدرسة

نکات

۱) خبر لای نفی جنس بر اسمش مقدم نمی شود یعنی همیشه بلافاصله پس از لای نفی جنس، اسم آن می آید؛ بنابراین نمی گوئیم:

لا فی الصّف تلمیذٌ

۲) در صورتی که ، خبر لای نفی جنس، (اسم) باشد، باید حتماً نکره باشد: لا کاذب فائزٌ .

جمع بندی انواع «لا» در کتاب های درسی:

۱- «لا» جواب، به معنی «نه» است و در پاسخ به جملاتی است که با «أ» و «هل» آغاز می شود:

أ أنت تلميذة؟ «لا» أنا موظفة

۲- لای نهی: لایجلسُ - لا تلتفتلوا

۳- لای نفی: لایعلمُ - لا تضحکین

تذکره: «لا» نهی و نفی در سطح ۶ عربی یاد دهم مورد بررسی قرار گرفت.

۴- لای نفی جنس: لا خیر فی قول الأمّ مع الفعل

تذکره ۱: «لا» نهی و نفی بر سر فعل مضارع و «لا» نفی جنس بر سر اسم می آید.

تذکره ۲: در تشخیص «لا» نفی جنس شرایط «اسم لا» بسیار مهم است.

لا فقر کالجہل و لا میراث کالأدب.

اینگاه ترجمه

در تست های ترجمه به معنای حروف مشبیه بالفعل، به ویژه لیت و لعل و تأثیر آن ها در ترجمه ی فعل دقت کنید.

www.my-dars.ir

نوع «لا» و ترجمه ی دقیق آن در ترجمه بسیار مهم است.

لای نفی جنس به صورت «هیچ» و «هیچ نیست» ترجمه می شود.